



یادداشت

عباس محمدیان
پژوهشگر علوم ارتباطات

اینفلوئنسر به‌مثابه «کنشگر مسئول»

در تجربه بحران‌های اجتماعی ایران، یک الگوی تکرارشونده به‌روشنی قابل مشاهده است؛ پیش از آنکه تنش‌ها به خیابان‌ها کشیده شوند، فضای شبکه‌های اجتماعی ملتهب می شود. در این فضا، اینفلوئنسرها دیگر صرفاً ناقلان خبر یا شاهدان عینی رویدادها نیستند؛ آن‌ها به بازبگرانی تبدیل می‌شوند که می‌توانند با یک روایت، یک تصویر یا حتی یک جمله کوتاه، مسیر ادراک جمعی را تغییر دهند. این تغییر جایگاه، ماهیت نقش آن‌ها را دگرگون می‌کند، از «شهروند صاحب‌نظر» به «کنشگر اثرگذار». تفاوت اساسی اینفلوئنسر با شهروند عادی در چنین بزرگانه‌هایی، نه در حق اظهارنظر است و نه در امکان نقد؛ این تفاوت در ضریب اثرگذاری نهفته است. اینفلوئنسر با مخاطبانی گسترده، ناگزیر حامل مسئولیتی فراتر از بیان شخصی است. هر استوری، توئیت یا ویدئو، بالقوه می‌تواند ترس را تشدید کند، خشم را جهت دهد یا امید و انتظار غیرواقعی بسازد. در شرایطی که جامعه از نظر روانی ملتهب است و دسترسی به اطلاعات دقیق و کامل محدود، حتی یک روایت نیمه‌درست یا تصویری خارج از بافت واقعی می‌تواند نقش جرقه را ایفا کند؛ جرقه‌ای که پیامدهای آن، لزوماً قابل پیش‌بینی یا مهارشدنی نیست.

مسئله دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود؛ جایی که بازنمایی واقعیت از خود واقعیت مهم‌تر می‌شود. تجربه عملی نشان داده است که بسیاری از بحران‌ها نه صرفاً به واسطه آنچه در میدان رخ داده، بلکه به دلیل نحوه روایت آن در شبکه‌های اجتماعی تشدید شده‌اند. بزرگ‌نمایی، تعمیم شتاب‌زده، القای فراگیری یا قطعیت رخدادها و انتشار اخبار تأیید نشده، همگی می‌توانند ادراک عمومی را به‌سمتی سوق دهند که فاصله معناداری با واقعیت داشته باشد. اینجااست که مسئولیت، از سطح اخلاق فردی عبور می‌کند و وارد قلمرو مسئولیت اجتماعی و حقوقی می‌شود.

در چنین شرایطی، انتشار اطلاعات نادقیق یا نسبت دادن خشونت، خیانت یا قصد مجرمانه بدون سند، دیگر صرفاً یک خطای رسانه‌ای نیست؛ می‌تواند مصداق تشویش اذهان عمومی، نشر اکاذیب یا حتی تسهیل وقوع رفتارهای پرخطر تلقی شود. نکته مهم این است که در این ارزیابی، نیت گوینده همیشه تعیین‌کننده نیست. آنچه اهمیت دارد، اثر محتوا بر مخاطب متعارف و پیامدهای قابل پیش‌بینی آن است. این همان نقطه‌ای است که بسیاری از اینفلوئنسرها، ناخواسته وارد منطقه پرریسک مسئولیت می‌شوند.

با این حال، مسئله اصلی در نقشی اینفلوئنسرها در بحران‌های ایران، نفی انتقاد، اعتراض یا مطالبه‌گری نیست. نقد، بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات اجتماعی و مطالبه‌گری در ذات خود امری مشروع است. مسئله، جابه‌جایی ناخواسته یا خواسته مرز میان آگاهی بخشی و التهاب‌آفرینی است. اینفلوئنسر حرفه‌ای می‌داند همان سخنی که در شرایط عادی می‌تواند روشنگر باشد، در شرایط بحران ممکن است به واسطه زمان، لحن یا زمینه نامناسب، به عامل تشدید تنش تبدیل شود. در وضعیت‌های بحرانی، هر کلمه بار مضاعف دارد. تحلیل بدون تخصص، اظهارنظر بدون منبج معتبر، یا دعوت غیرمستقیم به کنش‌های پرریسک، اینفلوئنسر را از جایگاه «راوی» خارج و به بخشی از زنجیره علت و معلول بحران بدل می‌کند. در چنین وضعیتی، دیگر نمی‌توان او را صرفاً یک صدا در میان صداهای دیگر دانست؛ او به کنشگری تبدیل می‌شود که نقش او در شکل‌گیری پیامدها، قابل چشم‌پوشی نیست.

از منظر حقوقی، همین نقش می‌تواند مبنای مسئولیت‌مدنی «در صورت ورود خسارت به اشخاص یا جامعه» و حتی مسئولیت کیفری، در صورت تحقق عناوین مجرمانه قرار گیرد. اما فراتر از چارچوب‌های حقوقی، یک پرسش انسانی و حرفه‌ای نیز مطرح است:پرسشی که هر اینفلوئنسر در بزرگانه‌های بحرانی ناگزیر است با آن روبه‌رو شود: آیا ارزش فالوئر، ویرال شدن و دیده شدن، ارزش آن را دارد که امنیت روانی جامعه یا جان افراد به مخاطره بیفتد؟

تجربه تاریخ رسانه، چه در ایران و چه در جهان نشان داده در شرایط بحران، همیشه بلندترین صداها اثرگذارترین صداها نیستند. گاه خونسردی، دقت، مکت و حتی سکوت مسئولانه، نقشی سازنده‌تر از تکرار بی‌وقفه روایت‌های هیجانی ایفا می‌کند. این تمایز، همان خط باریکی است که اینفلوئنسر بالغ و مسئول را از مروج ناخواسته بحران جدا می‌کند؛ خطی که عبور آگاهانه از آن، نه‌تنها نشانه بلوغ حرفه‌ای، بلکه شرط بقا و اعتبار در فضای عمومی امروز است.

خبر

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسش قدس:

ادعای ترامپ، دروغ است

آرش خلیل‌خانه | اسماعیل یقایی در واکنش به ادعای ترامپ در مورد لغو ۸۰۰ اعدام در ایران، با جعلی خواندن این خبرسازی گفت: روند دادرسی در ایران عادلانه و دقیق و در خیلی از موارد زمانبر است و به این سادگی نیست که با یک قیام و قعود درباره موضوعی به این مهمی تصمیم‌گیری شود.

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان در نشست خبری دیروز خود در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس در خصوص ادعای ترامپ درباره لغو اعدام ۸۰۰ تن از تروریست‌ها و اغتشاشگران که قرار بود ظرف یک روز انجام شود به عنوان دلیل او برای لغو حمله به ایران در حالی که هنوز هیچ دادگانه‌ای در ایران در مورد بازداشت‌شدگان حوادث اخیر برگزار نشده، بیان کرد: این نمونه‌ای است از فضاسازی‌های نادرست و جعلیاتی که در این مدت علیه جمهوری اسلامی ایران تولید و به خورد جامعه بین‌المللی داده شد. بقایی در پاسخ به پرسش دیگری در مورد تعداد کشته‌ها در اغتشاشات اخیر گفت: این آمار را مراجع صلاحیت‌دار باید اعلام کنند و من اطلاعی ندارم.

مواضع سخیف رئیس‌جمهور ایالات متحده نشان‌دهنده یک راهبرد هماهنگ در قبال ایران است یا فقط بیانگر یک سیاست مبتنی بر آزمون و خطا؟

ترامپ؛ بوقچی جنگ روانی



سیدحسین حسینی | رئیس‌جمهور آمریکا که در روزهای اخیر با اظهارات متناقض خود در توئیتر، پرسش‌ها و ابهام‌های زیادی را در مورد سیاست ایالات متحده در قبال ایران ایجاد کرده است، روز گذشته نیز در اظهاراتی سخیف، رهبر معظم انقلاب را خطاب قرار داد.

مسعود پزشکیان ر رئیس‌جمهور کشورمان در واکنش به اظهارات سخیف‌روز گذشته ترامپ با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اگر سختی و تنگنایی در زندگی مردم عزیز ایران وجود دارد، یکی از عوامل اصلی آن دشمنی دیرینه و تحریم‌های غیرانسانی دولت آمریکا و هم‌پیمانان اوست. تعرض به رهبری معظم کشورمان به‌منزله جنگ تمام‌عیار با ملت ایران است. روزنامه قدس در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه سیاست کوشیده تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا مواضع ترامپ، نشان‌دهنده یک راهبرد هماهنگ در قبال ایران است یا صرفاً بیانگر یک سیاست آزمون و خطاست؟

■ ترامپ اگر می‌توانست حمله می‌کرد

مرتضی غرقی، کارشناس ارشد مسائل آمریکا و خبرنگار پیشین ایران در نیویورک، در گفت‌وگو با روزنامه قدس گفت: دونالد ترامپ با کمک نتانیاهو صرفاً یک جنگ روانی به راه

انداخته، در حالی که آن‌ها به خوبی می‌دانند ادعای جنگ داشتن با توان جنگیدن متفاوت است و جنگ سازوکارهای خودش را دارد.

وی تصریح کرد: اگر ترامپ می‌توانست بدون هزینه به ایران حمله کند، بی‌هیچ وقفه‌ای حمله می‌کرد و شورسائه‌ای و توییتری در فضای مجازی به راه نمی‌انداخت. او در پاسخ به این پرسش که چرا ترامپ از آشوبگران در ایران حمایت می‌کند، بیان کرد: یکی از شرکدهای آن‌ها این است که کشور را دچار آشوب کنند و دولت‌مردان و نیروهای نظامی و امنیتی مشغول جمع‌آوری بحران و آشوب‌های داخلی باشند. همان کاری که در سوریه به انجام دادند. این کارشناس ارشد مسائل آمریکا تأکید کرد: آمریکا با حمایت از گروه‌های معترض و تجزیه‌طلب در ایران، به دنبال



ایجاد آشوب و نابودی نقاط حساس، موشکی و کلیدی ایران بود که با هوشیاری نیروهای امنیتی و مردم این کار صورت نگرفت. خبرنگار پیشین کشورمان در نیویورک با اشاره به نشست اخیر شورای حکام درباره تحولات داخلی ایران، گفت: ترامپ برای دلخوشی اپوزیسیون، هر روز توئییت می‌زند و تهدید می‌کند، همان سیرکی که به قول نماینده روسیه در شورای امنیت، با حضور باطنی و مسیح علی‌نژاد به راه انداختند.

■ خوی استکباری ترامپ او را به لاف‌زنی انداخته

سیدجلال ساداتیان، دیپلمات ارشد پیشین ایران در اروپا و کارشناس مسائل بین‌الملل نیز در گفت‌وگو با روزنامه قدس، درباره رفتارهای متناقض ترامپ نسبت به ایران، اظهار کرد: ترامپ خود را قالب یک رهبر اپوزیسیون



به جمعیت انبوه و میدان‌داری گروه‌ها و سلاطین مختلف و حاکم نشدن کامل ساختارهای انقلابی، امری ناگزیر تلقی می‌شده است.

گرچه مقایسه چنین آشوب‌هایی با انقلاب اسلامی خنده‌دار است، ولی بد نیست گوشه‌هایی از لطایف انقلاب را برای کسانی که سعی دارند چنین حرکاتی را به انقلاب تعبیر کنند، مرور کنیم.

پیامی که امام خمینی (ره) ۴۷ سال پیش، یعنی در بیست و پنجم دی‌ماه ۱۳۵۷، درست یک روز پیش از فرار محمدرضا پهلوی و در دوران حاکمیت شاه، خطاب به مردم ایران صادر کرده بود، نمونه زیبایی از نظام‌مدنی انقلاب و سطح دغدغه رهبر عالی‌اش بوده که بازخوانی آن خالی از لطف نیست.

در این پیام ۹ ماده‌ای طبق معمول از مردم و اقشار گوناگون برای شرکت در راهپیمایی و تظاهرات دعوت شده است؛ اما بیش از نیمی از پیام به تدبیر امور اقتصادی، معیشتی و حتی دفاعی کشور مربوط می‌شود.

امام (ره) در بند اول پیام خواسته است مراقب ایجاد قحطی مصنوعی باشند و برای پیشگیری از آن «عدهای از معتمدین را به نظارت بگمارند» و تصریح کرده‌اند که «غفلت از این امر مسئولیت شرعی دارد». در بند دیگری از کشورزان خواسته

یعنی آشوب و کشتار و حاکمیت بی‌نظمی، برای درک مفهوم این تفاوت کافی باشد. شورش کوری که به‌جای به‌صحنه آوردن روزانه جمعیت، به تخریب شبانه بسترهای خدمات عمومی مثل بانک‌ها، مساجد، اتوبوس‌ها، ایستگاه‌ها، چراغ‌های راهنمایی، خودروهای آتش‌نشانی، آمبولانس‌ها... می‌پردازد و فعالان خدماتی مثل رانندگان و پلیس راهور را تکه‌تکه می‌کند، نمی‌تواند نسبتی با انقلاب مردمی داشته باشد. مضاف بر کارهای احمقانه‌ای مثل مصرف بی‌رویه آب، برق و گاز برای اختلال در شبکه توزیع هم در ناآرامی‌های قبلی به‌عنوان راهکارهای مبارزه‌مدنی تجویز می‌شد!

«نقاب» صرفاً به‌معنای شکستن نظم موجود نیست؛ بلکه به‌معنای جایگزینی نظمی دیگر به‌جای نظم فعلی است. در انقلاب اسلامی کمیته‌های مردمی و هسته‌های محلی در مساجد، ماه‌ها پیش از پیروزی انقلاب و ورود امام شکل گرفتند و تا حد زیادی به برقراری نظامات اجتماعی کمک می‌کردند.

هرچند بروز برخی خشونت‌ها در جریان انقلاب اسلامی سال ۵۷ را نمی‌شود کتمان کرد، ولی یقیناً چنین رخدادهایی در گستره وسیع کنش‌های انقلابی استشنا بوده و به توجّه

داخلی در وسط میدان منازعات داخلی ایران می‌بیند، اما همزمان ویتکاف را به عنوان نماینده آمریکا برای گفت‌وگو به منطقه می‌فرستد.

وی با اشاره به ویژگی‌های شخصیت ترامپ گفت: او یک فرد جنجالی است که برای برتر نشان دادن خود و تقویت موقعیتش و اینکه آمریکا در رأس امور جهان است، دست به این رفتارهای نمایشی می‌زند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل اظهار کرد: ترامپ با سیاست کلی تحریم قصد داشت جمهوری اسلامی ایران را فلج کرده و در ادامه با یک حمله شدید بتواند آن را نابود کند. این، هدف جنگ ۱۲ روزه بود اما دیدیم که با حضور مردم شکست خورد. ساداتیان افزود: اگر امروز ترامپ اعلام می‌کند ما با ایران به دیپلماسی بر خواهیم گشت، نشان‌دهنده این است که جمهوری اسلامی ایران کشوری نیست که به راحتی از بین برود. امروز ایران تأمین‌کننده امنیت در بین همسایگان خود در غرب آسیا و خلیج فارس است و باهر کشوری که نقشه‌های شوم آمریکایی در آن پیاده شده، فرق دارد.

وی ادامه داد: ترامپ هم این را می‌داند اما خوی استکباری‌اش، او را به لاف زدن و گرافه‌گویی می‌کشاند تا ضعف خود برای رویارویی با ایران را پنهان کند.

■ مواضع ترامپ، تلاش برای فضاسازی است

محمدکاظم انبارلویی، کارشناس مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با روزنامه قدس به تحلیل وضعیت کنونی ایران، واکنش‌های بین‌المللی و رفتارهای خارج از دیپلماسی آمریکان نسبت به ایران پرداخت و گفت: با شروع ناآرامی در ایران، ترامپ اعلام کرد از معترضان و آشوب‌طلبان حمایت نظامی می‌کند و در روز ۱۸ دی، شرارت به حدی رسید که با حرکات داعش گمنام، تعداد زیادی از مردم و نیروهای حافظ امنیت، مساجد، بیمارستان‌ها و فروشگاه‌ها آسیب دیده و تخریب شدند. او تصریح کرد: اما با شکل‌گیری حماسه ۲۲ دی ماه در خیابان‌های کشور، ترامپ با یک عقب‌نشینی آشکار، مواضع خود را تغییر داد.

انبارلویی تأکید کرد: دو دلیل مهم وجود دارد که ترامپ را در برابر ایران، به تناقض‌گویی و حرف‌ای می‌کشاند؛ نخست حضور حقیقی مردم در مقام حمایت از مواضع جمهوری اسلامی که بارها نقشه‌های دشمن را خنثی کرده و دوم ترس آمریکا از واکنش ایران که می‌تواند بسیار بیشتر از آنچه پنداشته می‌شود، جان سربازانش را در منطقه به خطر بیندازد.

این کارشناس مسائل سیاسی اظهار کرد: در این وضعیت پیچیده، طبیعی است که ترامپ می‌کوشد اظهارنظرهایش، فضای روانی بسازد و تلاش کند تا از فضاسازی بیش‌ترین بهره را ببرد. انبارلویی تأکید کرد: در خوشبینانه‌ترین حالت، مواضع ترامپ چیزی جز همین فضاسازی نیست.

شده در جریان انقلاب از کشت‌وکار خود غافل نشوند و «از کشت خصوصاً کشت دیمی غفلت نکنند» چون «ممکن است مفسدین قحطی مصنوعی ایجاد کرده و کشور را در مضیقه قرار دهند».

امام (ره) در بند دیگری از این پیام آورده است: «بانک‌های اسلامی به کشورزان به منظور ادامه کشاورزی قرض الحسنه بدهند و مسلمانان در این امر حیاتی با این بانک‌ها تشریک مساعی نمایند تا جلوی توطئه شیطانی گرفته شود».

رهبر انقلاب ایران حتی از ارتش و تسلیحات نظامی‌ای که در اختیار شاه و ارتش شاهنشاهی بوده نیز غافل نبوده و از مردم خواسته است برای حفظ ادوات نظامی به ارتشی که همان روزها در مقابل مردم ایستاده بود، کمک کنند!

«دولت آمریکا در صدد است اسلحه و مهماتی را که در ایران است و در مقابل نفت به مردم ایران تحمیل کرده است، یا به سرقت ببرد (اگر تاکنون نبرده باشد) و یا منفجر کند. بر افسران و درجه‌داران ارتش و سایر نیروهای سه‌گانه است که از آن جلوگیری کنند. و بر ملت است که با ارتش در این امر همکاری کنند و نگذارند بیش از این مال ملت را نابود یا چپاول کنند. افسران محترم بدانند که مسامحه در این امر خیانت به کشور و اسلام است».



امروز فهم متقابل از منافع، هماهنگی و همکاری برای مقابله با چالش‌های امنیتی میان دو کشور وجود دارد، گفت: ما در خصوص پیشنهادهایی که می‌تواند میان ایران و عراق به‌لحاظ سیاسی و دیپلماتیک در راستای پیشبرد صلح و ثبات در منطقه طراحی شود، صحبت کردیم. دوستان عراقی ما نشان دادند به واسطه ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک می‌توانند ایفاگر نقش مثبت برای ترویج گفت‌وگو، نزدیک‌سازی مواضع و حل و فصل مواضع موجود در روابط منطقه باشند. عراقچی همچنین در پایان نشست خبری با همتای عراقی خاطرنشان کرد: درباره وقایع اخیر ایران گزارش مبسوطی را خدمت ایشان ارائه کردم. ما از مواضع بغداد در حمایت و همبستگی با تهران قدردانی می‌کنیم و خوشحال هستیم که روابط طرفین در مسیر بسیار خوبی به حرکت خود ادامه می‌دهد. این توضیحات وزیر امور خارجه بیانگر رویکرد منطقی تهران در برابر مداخلات و آتش‌باری غرب، از طریق همکاری و تبادل نظر با دول منطقه‌ای است. واشنگتن وتل آویوه به صراحت بی‌ثباتی سیاسی ازشوق، خشونت‌را تحریک و امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند. در فضای موجود، جمهوری اسلامی سیاست دشمنان را مصداق آشکار آشوب‌طلبی می‌داند و با در پیش گرفتن این دیپلماسی توحیه‌ی درصدد است درباره علت ناآرامی‌های ایران شفاف‌سازی کرده و دست دشمن را رو کند. جهت‌گیری مذکور از این منظر مهم است که نوعی اتمام حجت همزمان برای طرف‌های منطقه‌ای و جهانی بوده و تأکیدی است بر اینکه اگر رویکرد خصمانه طرف مقابل و موج‌سواری و سوءاستفاده از موضوعات داخلی ایران ادامه یابد، آن‌ها هستند که درباره هر پیشامدی مقصر بوده و تهران در مقام پاسخ به دشمن هیچ خط قرمزی نخواهد داشت.